

ستاره سبز

بهرولتاریا بزرگترین طبقه در تاریخ بشریت است. او از لحاظ ایدئولوژیک سیاسی و قدرت نیرومندترین طبقه انقلابی می باشد. این طبقه می تواند و هم باید اکثریت مطلق مردم را در خود محبوس سازد تا اینکه مشتکی تا چیز دشمنان را جدا کند منفرد ساخته مورد ضربه قرار دهد.

فروردین ماه ۱۳۵۰ برابر آوریل ۱۹۷۱

شماره سبز - شماره یازدهم - سال اول

موج به موج به پیش رویم

دروود به کارگران ایران

اول ماه مه، روز همبستگی و جشن بین المللی کارگران و زحمتکشان را به کارگران و تمام مبارزین ایران شاد باشی میگوئیم. ما اجماع جشن کارگری را در شرایطی برگذار میکنیم که آتش جنگ انقلابی در سرتاسر جهان شعله میزند و کارگران جهان، و خلقهای ستمدیده از همه طرف مرتجعین را در حلقه محاصره گرفته اند. اعتصابات میلیونی کارگران در ایالات متحده آمریکا، انگلیس، ایتالیا، فرانسه، لهستان و کشورهای دیگر، پیروزیهای کبیر خلقهای هند و فلسطین، تایلند، فیلیپین، ژاپن و بسیاری کشورهای دیگر ضربات مرگ آوری را بر اندام پوسیده امپریالیستهای سوسیال-امپریالیستها و همه مرتجعین وارد نموده و گامهای بلندی را در جهت پیروزی انقلاب جهانی برداشته اند. کارگران ایران نیز با اعتصابات و مبارزات وسیع و دامنه خود در سال گذشته صفحات درخشان نویسی را بر تاریخ مبارزات زحمتکشان ایران افزوده اند.

طبقه کارگر ایران دارای نزدیک به ۲۰ سال تاریخچه مبارزه قهرمانانه است. حزب اجتماعیون عامین که از اولین سازمانهای سیاسی طبقه کارگر ایران بود، بارهنگی کردن سازمانهای توده ای مجاهدین که تفکک برداشت با رژیم استبدادی قاجار بیکار میکردند، نقش بزرگی را در پیشبرد انقلاب مشروطه ایران بعهده داشت. حزب عدالت که از بطن حزب اجتماعیون عامین بیرون آمد تشکیلات کارگری ایران را در بسیاری نقاط کشور توسعه داد و بسا

گرامی باد خاطره شهیدان

گرامی باد خاطره آنهایکه آزاد زمینند، دلیرانه بیکار کردند، و تا آخرین دم براه خلق وفادار ماندند.

- گرامی باد خاطره رزمندگان شهید خلق
- جای تاریخ نیست برایشان که این گروه با عزم آهنین و دلشاد رفته اند
- سرباز آهنین نبرد نهائینند
- پولاد زینت کرده و پولاد رفته اند
- در راه پی گیری کاخ جهان نیو برجا نهاده پایه و بنیاد رفته اند.
- غفور، حسین پور
- علی اکبر صفائی فراهانی
- محمد نیری
- عباس درویش بهزادی
- جلیل انفرادی
- محمد علی محدث قندهجی
- هادی پنده خدا لنگرودی
- سیف دلایل صفائی
- اسماعیل معینی عراقی
- محمد هادی فاضلی
- شجاع اله مشیدی
- اسکندر رحیمی
- محمد رحیم سماعی
- مهدی اسحق

وظایف بزرگ انقلابی ما نمیتوانند با انجام نرسند. در شرایط کنونی انقلاب ایران، خلقهای سوسیال-مابرای بدست آوردن آزادیهای جزئوسل به قهر انقلابی ندارند. در هم شکستن سلطه امپریالیستها، قطع نفوذ سوسیال-امپریالیستها و واژگون ساختن دستگاه حکومتی فئودالها و سرمایه داران بورژوازی در ایران بدون گذشتن از یک پیروزی انقلابی جنگ انقلابی امکان پذیر نیست. اما غنی ترین سرچشمه نیروهای بزرگ جنگ انقلابی نیز در میان توده ها وسیع کارگران و دهقانان نهفته است. بدون بسیج و تشکیک یافتن کارگران و دهقانان، بدون بکار افتادن نیروی خلاقه لایزال آنها و بدون شرکت وسیع آنان، جنگ انقلابی نمیتواند نتیجه ببرد. رفیق ما توده دون بما می آموزد: "جنگ انقلابی جنگ توده ها است و تنها با بسیج توده ها و انگاه به آنها است که میتوان به چنین جنگی دست زد."

روشنفکران انقلابی ما باید در عین پیروانندن هر چه بیشتر روحیه رزمندگی به نقش تعیین کننده توده های وسیع خلق توجه دقیق نمایند و شور انقلابی را با بیش توده ای توأم سازند. قدرت جنبش نوین مارکسیستی-لنینیستی که روشنفکران در شرایط کنونی بخش بزرگی از آنرا تشکیل میدهند در سمت گیری آن یعنی سمت پیوند با کارگران و دهقانان نهفته است و وظیفه کنونی مارکسیست-لنینیستها ما است که با تلفیق هر چه بیشتر مارکسیسم-لنینیسم - اندیشه ما توده دون با جنبش کارگران و دهقانان شرط لازم برای ایجاد حزب کمونیست و بسیج و تشکیک و قیام مسلحانه توده های وسیع کارگران و دهقانان را فراهم آورند. فریاد اراده خلق را در مبارزه تقویت میبخشد.

شهدای انقلابی اخیر با خون خود لوحه نویسی را در تاریخ مبارزات روشنفکران انقلابی ایران نوشته. ما از پای افتادن آنها هزارها مبارز روشن فکر دیگر بیا خواهند خاست. در راه پیوند با کارگران و دهقانان قاطعانه به پیش خواهند رفت و همه وقت توده های عظیم خلق آتش جنگ توده ای را بر خواهند افروخت.

پرچم جنگ خلق را برافرازم و موج به موج پیش رویم.

روشنفکران انقلابی ما اکنون با فراگرفتن هر چه بیشتر مارکسیسم-لنینیسم-اندیشه ما توده دون هر روز بیشتر به اهمیت پیوند با کارگران و دهقانان پی میبرند. جنبش های وسیع توده ای نیز هر روز بیشتر رشد و توسعه می یابند. رژیم ایران بخوبی میداند که اگر جنبش روشن فکر انقلابی ایران با جنبش کارگران و دهقانان پیوند بیابد و اگر پیوند مارکسیسم-لنینیسم-اندیشه ما توده دون با جنبش کارگران و دهقانان قوام گیرد از این پیوند چنان توفانی بر خواهد خاست که تنها چند صد هزار سرباز و ژاندارم پلیس مخفی و آشکار او در مقابل آن بزانو در خواهد آمد بلکه تمام ارتشها و بمبهای اتمی اروپای رنگارنگ هم در مقابل آن ببری کاغذین خواهند بود. جنبش خلقهای ویتنام، لاوس، کامبوج و بسیاری خلقهای دیگر جهان این واقعیت را اکنون بطور کامل با اثبات رسانیده است. رژیم ایران از وحشت برخاستن این توفان است که بخود میبرد و برای جلوگیری از این توفان است که مذبحخانه تلاش میکند.

جنبش انقلابی روشن فکران ایران در سالهای اخیر سیر و درخشان داشته است. تاریخ چند ساله اخیر ایران مملو از خامه مبارزات گروهها و دسته های روشن فکران انقلابی است که در لیانه قد راست کرده و قهرضد انقلابی رژیم را با قهر انقلابی پاسخ داده اند و تا آخرین لحظه حیات قهرمانانه در مقابل آن ایستادگی کرده اند. ولی تاریخ چند ساله اخیر ایران بیکار بیکار این واقعیت را ثابت کرده است که مبارزات روشن فکران انقلابی بدون پیوند عمیق آنان با جنبش کارگران و دهقانان نمیتواند پیروزی ببرد. کارگران و دهقانان بین از ۹۰ درصد جمعیت کشور را تشکیل میدهند و در تحت شدیدترین استثمار و ستم امپریالیسم و طبقات ارتجاعی حاکم قرار دارند. کارگران و دهقانان نیرومندترین و سرسخت ترین دشمنان رژیم و نیروی اساسی انقلاب هستند. آن قدرت عظیم و آن دژ پولادینی که در مقابل آن تمام نیروهای ارتجاعی ببری کاغذی هستند نیروی متشکل و رزمنده توده های وسیع کارگران و دهقانان است. بدون شرکت کارگران و دهقانان در انقلاب هیچکدام از

دستگاه های تبلیغاتی رژیم با سرود ای زیاد خیر مبارزه مسلحانه و شهادت گروهی از رزمندگان خلق و خیر دستگیری ۵ نفر دیگر از میهن پرستان ایرانی و اعدام ۱۳ نفر از آنان را اعلام کردند. رژیم ارتجاعی شاه با شجاعت تمام میاندیشد که با ابتکار خواهد توانست در دل دیگر مبارزین خلق هراس اندازد. و از پیشرفت جنبش انقلابی ایران جلو گیرد. اما خلق منطقی جز مبارزه ندارد. با هر رزمندگانی که از پای میافتد صدها مبارز قهرمان دیگر بجای او بیا خواهند خاست و از هر قطره خونی که میریزد هزاران نهال جوان انقلابی خواهد روئید.

موج نوین مبارزات انقلابی خلقهای میهن ما روز بروز توسعه می یابد. با وجود تمام کوششی که رژیم جنایتکار شاه برای پنهان داشتن شعله های آتش مبارزات خلقهای ایران بکار میبرد نمونه های درخشان از مبارزات خلقهای ایران در سال گذشته حتی در نظریات و ایستاده رژیم نیز انعکاس یافته اند. جنبش توده های مردم تهران در بهار سال گذشته، اعتصابات و مبارزات وسیع دانشجویان و روشن فکران ایران در داخل و خارج از کشور، شورش دهقانان در زنجان و نقاط دیگر، اعتصابات کارگران اتوبوسرانی در تهران، مبارزات قهرمانانه "گروه فلسطین" و دیگر گروه های انقلابی و مارکسیستی-لنینیستی و بالاخره قیام مسلحانه اخیر گروهی از روشن فکران انقلابی نه تنها هائی از این قهرمانیهای خلق و نشانی از رشد جنبش انقلابی میهن ما است. رژیم ایران اکنون چنان از رشد جنبش انقلابی بوخت افتاده است که به اندک صدای مخالفتی بخود میبرد. حملات دندانشانه به آزادخواهان تنها نشانه های از این وحشت عمیق رژیم از جنبش انقلابی است؟ رژیم از چه میترسد؟ وحشت عمیق او از کی است؟ رژیم ایران ظاهری هیبت انگیز دارد. ارتش سیصد هزار نفری که تا نده انهایش به سلاحهای آخرین مدل امپریالیست ها و سوسیال-امپریالیستها مجهز است، سازمان امنیتی ۵۰۰ هزار نفری که زیر نظر مستقیم سازمان جاسوسی امپریالیسم آمریکا فعالیت میکند، دستگاه پلیس و ژاندارمری چندین ده هزار نفری که از آخرین تجهیزات امپریالیستها برخوردار است، پشتیبانی سیاسی، اقتصادی، و نظامی امپریالیسم آمریکا و سوسیال-امپریالیسم شوروی، حمایت کارتل های نفتی و غیره و غیره - اینها پایه های حکومت محمد رضا شاه را تشکیل میدهند. پس وحشت این دستگاه "برق قدرت" از چند ده نفر مرد مسلح از چیست؟ و چرا چنین شتاب برده و هراسناک آنان را اعدام میکند؟ واقعیت اینست که رژیم ارتجاعی ایران از چند ده نفر مرد مسلح هراسی ندارد. آنچه که رژیم محمد رضا شاه را تا مغز استخوانش می لرزاند پیوند این رزمندگان با جنبش کارگران و دهقانان است. رژیم از این هراس دارد که این جرقه ها که با از خود گذشتگی کامل رزمندگان انقلابی بوجود می آید، با جنبش توده های میلیونها زحمتکش پیوند یابد و حریق بزرگی بوجود آورد.

تجربه تاریخی در تمام سرزمین های تحت ستم و استثمار نشان داده است که آن روشن فکران انقلابی که اراده کرده و حاضرند با خاطر خلق و میهن جان خود را فدا کنند، بالاخره به حریم کارگران و دهقانان راه خواهند یافت و مشترکا نیروی عظیمی را بوجود خواهند آورد. این درس تاریخی است که رژیم را بهراس وامیدارد.

انقلاب تا پیروزی

مانع از این میشود که نفوذ آنها در این منطقه ثبات نسبی بیابد بلکه توسعه امده این آنتزید بگرتنقاط خاورمیانه اساس نفوذ آنها در سرتاسر این منطقه را بخاطر میاندازد. پایگاه انقلابی فلسطین شرایط مناسبی را برای رشد انقلاب در دیگر کشورهای خاورمیانه نیز فراهم می نماید و عناصر ارتجاعی این منطقه مانند ملک حسین و شاهزاده روز بروز بیشتر بگور خود نزدیک میگردد. به همین خاطر است که اکنون همه این نیروهای ارتجاعی دست بدهند و برای از میان بردن انقلاب فلسطین مذبحخانه تلاش میکنند.

بعد از جنگ ژوئن ۱۹۶۷ میان صهیونیستها و دولت های عربی که منجر به اشغال مناطق وسیعی از سرزمین عرب توسط اسرائیل شد جنبش فلسطین بسرعت اوج گرفت و رزمندگان فلسطین پیروزیهای بزرگی در تیر و با صهیونیستها بدست آوردند. از آن موقع تا کنون امپریالیسم جهانی سوسیال-بقیه در صفحه دوم

مرتجعین اردن بیکار دیگر بدست امپریالیسم آمریکا حمله وسیعی را برای سرکشی انقلاب فلسطین آغاز کرده اند. انقلابیون فلسطین در طی ماههای گذشته سعی کردند تا با اجتناب از هرگونه درگیری با نیروهای نظامی مرتجعین اردن بطور متمرکز به بنبرد با صهیونیستهای اسرائیل بپردازند. اما عناصر مرتجع اردن این فرصت را بآنها ندادند.

امپریالیسم آمریکا با پشتیبانی سوسیال-امپریالیستهای شوروی و تمام مرتجعین خاورمیانه نقشه وسیعی برای از بین بردن جنبش انقلابی فلسطین طرح کرده است. و میگوید تا آنرا مرحله مرحله توسط رژیم ارتجاعی اردن و صهیونیستهای اسرائیل بمرحله اجرا در آورند.

امپریالیسم آمریکا و سوسیال-امپریالیسم شوروی که سالها کوشیده اند تا خاورمیانه را به دو منطقه نفوذ میان خود تقسیم کنند انقلاب فلسطین را بزرگترین مانع راه خود میببیند. شعله کشیدن آتش جنگ خلق در فلسطین تنها

انقلاب تا پیروزی

امپریالیسم شوروی بی دردی به توطئه چینی برای خاموش کردن انقلاب فلسطین پرداخته است. اولین توطئه آنها قطعنامه ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد امضای قرارداد صلح میان اعراب و صهیونیستهای اسرائیل بود. از آن بعد سوسیال امپریالیستهای شوروی کوشیدند تا با فشار آوردن به ولتهای عربی آنان را وارد اربعین قطعنامه سازمان ملل نمایند و بدین طریق با اصطلاح "راخل سنی" آتش جنگ خلق را خاموش کنند و انقلاب فلسطین را از بین ببرند. "طرح روجرز" که مدتی بعد توسط امپریالیسم آمریکا مطرح شد نیز وسیله‌ای برای اجرائ قطعنامه‌ها با ملل و توطئه دیگری برای فریب ولتهای عربی بود. اما رزمندگان قهرمان فلسطین و توده‌های وسیع خلق عرب از همان ابتدا با قطعنامه سازمان ملل و تمام باصطلاح "راخلهای سیاسی" شدیداً مخالفت نمودند و توطئه‌های امپریالیستی و سوسیالیستی را افشا ساختند. نیروهای مسلح فلسطین روز بروز در شدت حملات خود بر صهیونیستهای اشغالگر افزودند و بدین ترتیب جسورانه اندامی که مخالفین انقلاب فلسطین دادند. امپریالیسم آمریکا که ناتوانی صهیونیستها را در سرکوبی رزمندگان فلسطین دریافته بود تصمیم گرفت تا با بکار بردن اصطلاح "دکترین نیکسون" عربها را بجنگ عربها وارد و برای نابود کردن انقلاب فلسطین از مرتجعین عرب استفاده کند. بهترین مهربان امپریالیستی، ملک حسین پادشاه اردن بود. نیروهای نظامی اردن در سپتامبر ۱۹۷۰ بمقامی شستاران امپریالیستی شدت تبه انقلاب فلسطین حمله بردند و با تمام نیرو کوشیدند آنها را سرکوبی نمایند. اما مبارزه سرسختانه رزمندگان فلسطین و پشتیبانی وسیع توده‌های خلق عرب و تمام نیروهای مترقی جهان از آنها سرانجام این توطئه امپریالیستی و مرتجعین اردن را با شکست مواجه ساخت.

بعد از شکست ارتش اردن امپریالیسم آمریکا از یکطرف برای فریب خلق فلسطین توطئه دیگری طرح کرد و نقشه ایجاد یک "حکومت فلسطینی" دست نشانده در قسمتی از سرزمینهای اشغال شده در جنگ ۱۹۶۷ را مطرح ساخت. از طرف دیگر سرعت به تجهیز مجدد ارتش اردن مشغول شد. از انتهای سپتامبر ۱۹۷۰ سبیل هواپیما، تانک، توپ، بمب و سلاحهای دیگر بطور مداوم به اردن سرازیر گردید. ملک حسین در دسامبر ۱۹۷۰ به واشنگتن رفت و توطئه جدیدی برای ارسال دهها میلیون دلار اسلحه به اردن و حمله وسیع دیگری به انقلاب فلسطین طرح ریزی شد. بر طبق یک روزنامه الجزیره ملک حسین در واشنگتن با موشه ایلان وزیر جنگ اسرائیل نیز ملاقات کرد و با او به توافق رسید.

در روز ۱۰ ژانویه ۱۹۷۱ ارتش اردن که حالا مجهزتر و وسیعتر از گذشته شده بود بار دیگر شدت بمبارانهای خلق فلسطین حمله برد. ارتش اسرائیل نیز از طرف دیگر وارد میدان شد و در بسیاری نقاط این دو ارتش ارتجاعی مشترکاً به سرکوبی مبارزین فلسطین پرداختند. مبارزندگان فلسطین با اتکا به توده‌های وسیع خلق عرب قهرمانانه به دفاع از انقلاب برخاستند. موج عظیمی از کارگران، دهقانان و روشنفکران به پشتیبانی از انقلاب فلسطین در سرتاسر سرزمین عرب بحرکت درآمد. احزاب و سازمانهای کارگری و تمام نیروهای ضد امپریالیستی جهان نیز یکی بعد از دیگری همبستگی ناگسستگی خود را با رزمندگان فلسطین اعلام داشتند و عملیاری آنها برخاستند. ارتش اردن اینبار نیز بالاخره مجبور به عقب نشینی شد و توطئه امپریالیسم آمریکا یکبار دیگر با شکست روبرو گردید.

اما نیروهای مرتجع از تلاش مذبحان خود بی‌نیاز نبودند. ساختن انقلاب فلسطین دست بر نه اشتند. دولت ارتجاعی اردن بفرمان امپریالیسم آمریکا در یازدهم فوریه برای بار سوم بطور وسیع بمباران فلسطین حمله ور شد و نیرو خونینی برای چند روزیایی ادامه داشت. حمله اخیر مرتجعین اردن نیز حلقه دیگری در زنجیر توطئه‌های امپریالیسم و سرکوبی‌های ارتجاعی برای سرکوب ساختن انقلاب فلسطین است. نیروهای انقلابی فلسطین در طی ماههای اخیر علاوه بر دفع حملات بی‌دردی و خونین ارتش اردن مرتباً به نیروهای مسلح اسرائیل در سرزمینهای اشغال شده نیز حمله کرده و با نابود کردن سربازان، سلاحهای جنگی و مؤسسات نظامی صهیونیستها تلفات سنگینی را بآنها وارد نمودند. در اثناء حملات پارتیزانهای فلسطینی گاه بگاه تسلیت آویز "پایتخت دولت صهیونیستی هم توسعه یافته است. پارتیزانهای فلسطینی با طرد قاطعانه توطئه "حکومت فلسطینی" و راه حل سیاسی، مصمانه به توسعه مبارزه

واقعیت روستای ایران

شاه این عوام فریب بزرگ در برابر سفیر آمریکا میگوید: "اکون دهقان ایرانی فردی آزاد مثل من و شماست." ما در گذشته هر بار از زبان خوانندگان مطلع و مبارز خود عیار واقعی جملات فوق را آزمودیم. در این شماره با زخم یکبار دیگر خوانندگان ما ماسک دروغ و تزویر را با عریان کردن واقعیت روستاهای ایران می‌برند و چهره کریسه ضد دهقانی رژیم را نشان میدهند.

هیچکدام از روستاهای این منطقه شامل اصلاحات ارضی شاهانه نشده اند. مخصوصاً در حدود ناحیه... هستند. آنها برای اربابان بیگاری میکنند، بوسیله ارباب آزار مینیند، خلاصه زندگی و ناموس و همجینشان زیر سلطه ارباب است. کشتن روستائیان و زندانی کردن آنان زیا شکجه و آزارشان برای اربابان فتوالی امری عادی است. بدون اجازه اربابان دهقان قادر بآنجام هیچ کاری نیست. در این منطقه علاوه بر ستم فتودالها، ژاندهای شاه هم بیداد میکنند. هرکسی باین وضع اعتراض کند بنام اشرار و... وغیره بدست ژاندها کشته میشود. ژاندها همیشه در خدمت فتودالها هستند. آنان از زعمدی و تجاوز بجان و ناموس دهقانان ایثاتی ندارند. دهقانی که سبیل ژاندها را چرب نکند و یا از حقوق و ناموس خود دفاع کند بعنوان "خیانت به دوازده اصل انقلاب شاه" بشد بدترین جوسی مورد آزار و شکجه قرار میگیرد. بعد از انقلاب شاهانه "سپاهیان دانش" نیز بر این ژاندها ها افزوده اند. برای کنترل وضع سیاسی دهقانان، البته همه سپاهیان دانش زیر این بار نمیروند. بعکس چه بسا جوانان انقلابی که شخصاً در خدمت دهقانان قرار میگیرند در اینجا سپاهیان دانش هیچ نقشی و هیچگونه اثری در بالا بردن فرهنگ دهقانان نداشته اند. اگر سپاهی دانشی از روی وظایف انسانی خود بخواهد بد دهقانان در جهت رشد فرهنگ آنان خدمت کند، عملاً قادر نیست زیرا کلبه سپاهیان دانش این نواحی بزبانی که مردم این مناطق بدان تکم میکنند کاملاً ناشناخته هستند. در این منطقه ستم طبی و مذهبی شدیداً چشم میخورد. از بیداشت خبری نیست. معلوم مدرسه نیز وجود ندارد. در سرتاسر این منطقه یک حمام نیز وجود ندارد. طولی حیوانات در مجاورت اطاق نشین دهقانان قرار دارد یا که متفقاً در زیر یک سقا بسر میروند...

از یک گزارش دیگر: "این بخش از نظر فرهنگ عقب افتاده است. درصد باسوادان این بخش شاید دو درصد باشد ولی روستاهایی هم یافت میشوند که در آنها ده پانزده نفری خواندن و نوشتن بداندند. در بعضی از روستاهای این بخش ساختمان ویران شده مدامی وجود دارد که بوسیله بیگاری کشیدن از دهقانان توسط ارباب ساخته شده اند تا بتوانند نام خود را بر سر در آنها بچسباندند. ارباب از طریق استعمار دهقانان و گرفتن حق بیداد در روستای... نیز یک بیمارستان ساخته است. البته فقط ساختمان آنرا. حالاً گاو دانی، مستراح و محل سکونت چند خوش نشین است. سپاهی دانش در این روستاها هموما و در پنج شش روستای این بخش خصوصاً وجود دارد و در هر کد ام از این دهات شاید ده میانزده روستازاد های درس بخوانند، البته سالی فقط یکساله آنها وقت برف شدیدی که این خود اکثر مانع رفتن دانش آموزان به مدرسه میشود. تازه این روستازادگان نیز فرزند ان دهقانان مرفه کد خدا و خرده مالکان هستند. درجه کار سپاهیان را میتوان فقط همت شخصی آنان دانست. سپاهی بیداد یکی دو مرتبه باین روستاها آمده است. با قرصهای رنگارنگ بیشتر برای جلوگیری از اسهال. ناجال و در مرتبه این روستاها مایه کوبی شده اند. (در مواقع شیوع بیماریهای واگیر ولی بی نتیجه. در این بخش ملاهای محلی بوفور موجودند که کارشان صیغه خوانی، روضه خوانی فاتحه خوانی و در وقت لزوم کد اردن نماز به میت و چند آیه قرآن خواندن است بدون شرکت در کار تولیدی روستا فقط جمع کردن زکات و خمس"

مسلحانه و جنگ خلق ادامه میدهند و توطئه‌های رنگارنگ ارتجاع جهانی کوچکترین خللی در اراده رزمندگان وارد ننموده است.

چرا انقلاب فلسطین میتواند در مقابل اینهمه توطئه مقاومت کند؟

انقلاب فلسطین امری عادلانه و جوابگوی واقعی است. خلق عرب و تمام خلقهای جهان برای مبارزه قاطع علیه امپریالیسم صهیونیسم است. و بدینجهت از پشتیبانی وسیع توده های خلق عرب و تمام خلقهای جهان برخوردار میباشند. این اساسی ترین منبع قدرت انقلاب فلسطین است. انقلابین فلسطین با آگاهی از این امر، هر روز بیشتر و بیشتر به نیروی لایزال توده هائیکه کرد و با بسیج و متشکل ساختن خلق و بولابینی واقعی ساخته اند که هیچ نیروی ارتجاعی قادر به نابود کردن آن نیست. منبع دیگر قدرت انقلاب فلسطین، مسلح بودن انقلاب است. رزمندگان فلسطین با آموختن از تجربیات تاریخی، راه مبارزه مسلحانه را تنها راه رهائی خلق فلسطین شناخته اند. آنها باین یگر این حقیقت را بخوبی درک کرده اند که خلق بجز ارتش هیچ نخواهد داشت. قدرت خلق زبانی میتواند شکوفا و موشر گردد که ارتش توده های قوی موجود باشد. اینهاست رمز موفقیت انقلاب فلسطین و اینهاست سلاحی که انقلابین برای درهم شکستن توطئه‌های رنگارنگ مرتجعین بکار برده اند.

دولت ارتجاعی شاه علیرغم عوام فریبی هائی که در طرفه کز ظاهری از خلق فلسطین میکند دشمن سرسخت انقلاب فلسطین است. پشتیبانی از قطعنامه ۲۲ نوامبر شورای امنیت، حمایت از دولت ارتجاعی ملک حسین، همکاری نزدیک با دولت فاشیستی اسرائیل تنها نمونه‌هایی از این دشمنی رژیم شاه با خلق فلسطین است. دولت شاه چنان از انقلاب فلسطین وحشت دارد که از هیچگونه جنایتی در مورد رزمندگان ایرانی که بیاری خلق فلسطین برمیگزینند فروگذاری نمیکند. محاکمه و محکوم ساختن مبارزین "گروه فلسطین" تنها یک نمونه از این اعمال جنایتکارانه رژیم است.

خلقهای ایران با وجود تمام کوششهای هر رژیم محمد رضاشاه برای جدایی آنها از خلق فلسطین میکند از صمیم قلب و با تمام نیرو از خلق فلسطین و رزمندگان پشتیبانی میکند. انقلاب فلسطین منبع الهام بخشی برای خلقهای ایران و تمام خلقهای خاورمیانه است. همبستگی انقلابی خلقهای ما و خلق فلسطین ناگسستگی است. انقلاب فلسطین بخشی از مبارزات خلقهای سراسرگیتی بر علیه امپریالیسم جهانی است. هرچه این مبارزات رشد بیشتری میکند تلاش مذبحان امپریالیستها و همکاران آنها برای سرکوبی آن نیز شدیدتر و در منشا نه تر میشود. انقلاب فلسطین راهی بس طولانی در پیش دارد و در این راه مسلماً زوریوم های بسیاری خواهد بود. اما خلق فلسطین مصمم به بازگرفتن سرزمین اشغال شده خویش است و از مواجبه با هیچگونه مشکلی واهمه ندارد. رزمندگان فلسطین با توسعه هرچه بیشتر صفوف متحد خویش و با اراده خلس ناپذیر خود در ادامه جنگ خلق مسلما موفق خواهند شد که تمام حملات ارتجاع جهانی را درهم بشکنند و پیروزی نهائی بدست آورند.

از یک گزارش دیگر: "در این منطقه هیچ بخش درمانی وجود ندارد واصلی دگری وجود ندارد. فقط بردرود بیوار کلبه‌های گلی دهقانان مأموران اداره مبارزه با مالاریا عبارت "د. د. د. ۷۵٪ سمپاشی شد" را با کلی دستورات و شعارهای دوازده اصل انقلاب شاه نوشته اند.

"کوچه‌های ده ملو از کثافات و آشغال است و اکثر کونگان که در کوچه در زباله می‌لوندن میتلابه انواع و اقسام امراض از قبیل تراخم، کزاز و سیاه سرفه میشوند. "وضع غذای اهالی خیلی بد است. با اینکه دهقانان بعضی کار دارند ولی خیلی کم اتفاق میافتد که از شیرین خود شان بخورند، چون شیر را برای فروش بشهر می‌آورند. اهالی از شهر پیرمانده های غذای سربازان را میخورند که به حیواناتشان بدهند ولی خود شان از آن نکند تا قوتنها و پیرمانده های غذای استفاده میکنند. خیلی کم اتفاق میافتد که گوشت بخورند. مگر گاو یا گوساله‌ای بزومین بیافتد و پایش بشکند یا مریض شود و احتمال داشته باشد که بمیرد. در اینصورت آنرا میکشند و به اهالی میفروشند. معمولاً گاوهای مریض مبتلابه سیاه زخم یا امراض دیگران و اهالی گوشت این حیوانات را که میخورند سیاه زخم میگیرند و خیلیها بر اثر اینگونه امراض تلف میشوند. "جمله "تهران ا کونومیست" مینویسد: (شماره ۸۵، ۳۱ مرداد ۱۳۴۹):

"علیرغم آنچه که ممکنست توسط ناستگاههای اجرائی مسئول اظهار شود یا در گزارشهایی که از طرف برخی از دستگاههاک بدست بکار و مسئول امور عمرانی دهات هستند عنوان گردد باید بیدریم که در این هشت یا نه سال اخیر که خود عمریست کار بس چشمگیر، گام مؤثر و مثبت اقدام بنیانی برای فرار از ناملایمات زندگی د خمه نشینی در روستا انجام نشده و روستائیان با بسیاری ارتلخی های زیستن کد شده زندگی میکنند. در همان کیرها، همان د خه‌ها و زانها که یاد آور همان شرایط زیستی سالهای قبل از اصلاحات ارضی است، و برهانی برصحت ایسمن موضوع مشاهده ات عینی بود که از مسافرت اخیر به همدان نپاوند، ملایر، بروجرد، کرمانشاهان، کامیاران، سنندج، سقز، کلپائی، شاه آباد غرب، قصر شیرین و دیگر روستاهایی که در نقاط غربی کشور از آنها یازده کردیم. و قیاسی بین تحولات و تغییراتی که در عرض پانزده بیست سال گذشته تحقق پذیرفته با آنچه در گذشته بود، محلی را برای ترس باقی نمیگذارد که در اینصورت اگر چهره و سیمای شهرها به تغییر گرائیده قیافه دهات بهمان شکل قدیم باقی مانده ..."

تایلند

در سه ماهه اول امسال میهن پرستان و نیروی مسلح تایلند جنگ توده‌های را به سطح عالی تری در تمام میدانهای نبرد رساندند. این امر بخصوص در مناطقی که هم مرز با لائوس و کامبوج بود صورت گرفت. آمار اولیه نشان میدهد که از ماه ژانویه بعد نیروهای مسلح میهن خلق تایلند ۳۰۰ نفر از افراد نیروهای نظامی دارو دسته ارتجاعی تانوم را از بین برده، بیش از ۱۰ هواپیمای دشمن را سرنگون ساخته و یا مورد اصابت گلوله قرار داده اند. نیروهای مسلح میهن همچنین قادر شدند تعداد زیادی از وسائط نقلیه نظامی دشمن را نابود کنند و به تعدادی مؤسسات نظامی دشمن حمله کنند.

ارتش آزاد بیخش توده های استان "تان" در شمال تایلند با پشتیبانی توده‌ها موفق شدند به دشمن شیخونهای زیادی زده موفقیت‌های بزرگی بدست آورند. در ۱ فوریه رزمندگان ارتش آزاد بیخش با حمله غافلگیرانه ۱۵ نفر از افراد ارتش دشمن را نابود ساختند. در ۱ مارس بیش از ۳۰ نفر را در ناحیه بوا از صحنه نبرد خارج نمودند و در ۲۹ مارس دو کامیون ارتشی و دو تراکتور را که برای ساختن جاده نظامی بکار برده میشدند از بین بردند و در همین حمله ۲۰ نفر از نیروی دشمن را نابود کردند. در استان تاک در شمال تایلند نیروهای مسلح میهن و خلق قهرمانانه بجنگ با دشمن پرداخته و بدو هفته و پشت سرهم با حمله بردند. در بخش "مایسوت" این نیروها بمدت ۲۰ روز از ۱۴ ژانویه تا ۷ فوریه مرتباً جنگیدند و به نیروهای دشمن کوچکترین فرصت استراحت ندادند. آنها با از میان برداشتن ۱۲۰ سرباز دشمن سرنگون ساختن یا صدمه وارد کردن به ۹ هواپیمای دشمن پیروزی مهمی بدست آورده و عملیات ضد انقلابی "محاصره و سرکوب" دارو دسته ارتجاعی تانوم را درهم شکستند.



به پیش در سمت پیوند با کارگران و دهقانان

به خلق خدمت کنیم

"حزب گونیست ما و همچنین ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید که تحت رهبری حزب ما قرار دارند همگی گردانهای انقلابند. این گردانهای ما کاملاً وقف امر آزادی خلق اند و تماماً در جهت منافع خلق کار میکنند. رفیق "جان سی ده" یکی از رزمندگان این گردانها بود..."

مافو تسه دون

رفیق "جان سی ده" عضو حزب گونیست و سرباز ارتش آزاد یخس چین بود. او در سال ۱۹۳۳ به صفوف انقلابی پیوست و خود را با جان و دل در خدمت توده های خلق و انقلاب کبیر چین قرار داد. "جان سی ده" به مسئولیت عظیمی که در قبال خلق احساس میکرد از همان آغاز مبارزه خود را بطور تمام کمال در خدمت توده ها و انقلاب گذاشت و لحظه ای از وقت خود را صرف کار دیگری نکرد. او در قضاوت میگفت: "کار انقلابی در همه جا هست و ما تنها باید قوه ابتکار داشته باشیم تا آنها را با پیوستن به مبارزه او هر وقت که وظایف محوله به خود را با بیان میسرانید بلافاصله بکنید و بگذرانید. این مبحث است. به آشنیها برای تهیه غذا میگرد. آب میآورد. برای رزمندگان کسوادند اشتند روزنامه میخوانند. با آنها خواندن و نوشتن یاد میداد. لباسهای رزمندگان را میدوخت. برای آنها کتفربست میکرد و یا بصحرا میرفت و در زمزمه میداد هفتان کتفربست. گاهگاهی لباسهای چرم رزمندگان کبابا او در یک محل زندگی میکردند مفقود میشد و یکی بعد "جان سی ده" آنها را شناسه و تمیز برایشان بازمیآورد. "جان سی ده" همانقدر که به وضع زندگی رزمندگان توجه و کوشش بیشتری برای خود نمینماید. او خیلی ساده و بی نهایت صرفه جویی زندگی میکرد. لباسهای او آنقدر وصله شده بود که دیگر جای وصله کردن نداشتند. یکبار گروهی از رزمندگان دیگر از او خواستند که لباسهای دیگری بپوشد ولی او جواب داد: "احتیاجی نیست. من هنوز میتوانم تا دو سه سال دیگر آنها را وصله کنم". او همچنین کارهای مهم کرد. گفتشای رزمندگان در آن روزهای سخت انقلاب که آنها را در کوهستانهای سنگلاخ مرتباً در حرکت بودند. سرعت از میان میرفت. ولی هر بار که وقت در یافت میشد به "جان سی ده" میرسید او از قبول آن سربازان میزد و میگفت: "اگر من یکجفت کتفربست بپوشم هفتان یکجفت کتفربست کمتر رست خواهند کرد. من کتفربست خود را میپوشم". رفیق "جان سی ده" که سخت تحت تأثیر این روحیه و رفتار رزمندگان بود و یکبار از او سؤال کرد: "چیزی باعث میشد که تو آنقدر صرفه جویی و لباسهای باین کهنکی بپوشی؟" او جواب داد: "هنوز مردم بسیاری هستند که لباسهایشان از زمان ما مهبط تراست. در کشور ما هنوز دهها میلیون نفر از زحمتکشان هستند که آزاد نشده اند. انقلاب هنوز با مسائل زیادی روبروست. اگر همه باین مسائل توجه کنند کمترین بزرگی به انقلاب خواهد شد. به علاوه ما اعضای حزب گونیست هستیم و بنابراین باید همانطور که در زمان ما آموخته است در تحمل سختیها و رصف اول و دوم روبرویم اری از مسائل راحتی در صفاً خراب باشیم. ما باید بیشتر رفیقان را با هم بیشتر کار کنیم". "جان سی ده" یاد هفتان بیرونه فخر و برقرار میکرد و از هر فرصتی برای کار سیاسی در میان آنان استفاده نمینمود. یکبار که برای فرقی کردن یک پلیر اسب بخانه پیر مرد دهقانی رفته بود مشاهده کرد که پیر مرد و زنش با زحمت تمام مشغول شکستن سیر هستند. او بلافاصله تیر را از آنها گرفت و به شکستن هیزها پرداخت. وقتی او مشغول هیزشکستن بود پیر زن دهقان از او سؤال کرد: "تو صد و هفتاد رین آن" دریده ای؟" و چون از او جواب شنید اضافه کرد: "صد و هفتاد نجات دهنده ما است. تا قبل از اینکه او با نیجا بیاید ما از دست سربازان دولت و دزدان ما خواب و خورانه انداشتم". "جان سی ده" بلافاصله جواب داد: "کاملاً درست است. ما بدست سربازان آمده ایم که اینجا را آباد کنیم. ما اینجا را مثل ناحیه جنوب رودخانه "یان تسه" سیر و سوزان خواهیم کرد. ما امیراللیس ژان را شکست خواهیم داد و حلقه محاصره از ما بکنیم و وقتی راه زخم خواهیم شکست. ما برهبری صد و هفتاد رین آن" سربازان کشور را بطور کامل آزاد خواهیم کرد و همه آنها را مانند منطقه آزاد شده "شانسی کیان سوئی" از استعمار و استعماری نجات خواهیم داد. "پیر زن دهقان با شور و شوق زیاد بصدای بلند گفت: "چقدر خوب میشود." "جان سی ده" بدین طریق با زبان ساده و بیستهای کلی حزب گونیست چین را برای پیر مرد و پیر زن دهقان توضیح داد و بعد یک فعه در یک "جان سی ده" مأموریت یافت بیفایم را برای یکی از واحد های ارتش آزاد یخس چین ببرد. او مجبور بود از چندین رودخانه کوه و جنگل پای پیاده بگذرد. هنگامیکه نزدیک محل منزور رسید بود و از کوه پائین میآمد پیرزنی را دید که بستانه ای خارکند بود و با زحمت کسان کسان آنرا با نیجا میآورد. "جان سی ده" با سرعت

ستاره سرخ و خونندگان

یکی از خوانندگان مبارز ما شعر زیر را برای ما ارسال کرده است. عنوان این شعر: "راه سرخ" میباشد.

در راه سرخ که راه حیات ماست با توده فقیر با خلق رنجبر همسنگران رفیقان برادران همگام و همصدا همدوش توده ها سرسخت و استوار در راه سرنگونی کاخ ستگران پستی تا... آندم که خشم مقدس دهقان رنجبر و آنکه که کوره غضبان کارگر آتشفشان شوند همراه توده ها گلگون کنیم بخون خویشتن گذرگاه انقلاب.

● دوست مبارز ما "ب" طی نامه ای در مورد مقاله شماره ۹ بهمن (۴۹) از ما انتقاد کرده مینویسد که بنظر او عبارت "سپاه دانش را برایشان فرستاد هاند تا دوره جاسوسی به دانش آموزان کرد بیاورند" واقعیت ندارد و سپس اضافه میکند: "ما در ایران سپاهیان مختلفی به لباسهای متعددی داریم که واقعا خدمتکار خلق اند... مکتب عدای ناخود آگاه یا آگاه جاسوس باشند... ولی این از یک فکر صحیح و قضاوت عادلانه دور است که تمام این افراد سپاهیان را با کماتیکه واقعا گردند و در لیست میند رآمد هاند مسواقی دانستند و در یک خط حساب آوردند." ستاره سرخ: ما از دوستان یک نکته را سؤال میکنیم: فکر میکنی رژیم ایران بجهت منظور سپاهیان مختلف درست کرده و به روستا میفرستد؟ این یک سؤال اساسی است و جواب درست یا نادرست به آن بستگی به شناخت ما از ماهیت واقعی رژیم دارد. دوست کرم ما در نوشته خود به این سؤال جواب داده است: "سپاه دانش را برایشان فرستاد هاند تا دوره جاسوسی به دانش آموزان کرد بیاورند" ما هم بطور کلی با نظریه دوستان موافقیم زیرا هدف رژیم از تشکیل سپاهیان مختلف استفاده از آنها برای جاسوسی تشدید کنترل روستا و تبلیغات بنفع رژیم است. یعنی هدف و نیت رژیم از تشکیل این سپاهیان خدمت به خلق نیست بلکه عکس آن یعنی عوامفریبی و سرکوب دهقانان است. ولی البته این بدان معنی نیست که رژیم از اجناسی ایران قادر شده است تمام جوانان سپاهی را بفریبد و آنان را بخدمت خود درآورد. بلکه بعکس ما معتقدیم که محیط روستا فقر زدگی دهقانان روی جوانان ما که به روستا میروند تأثیر زیاد میکند و آگاهی آنان را از زندگی زحمتکشان میهن ما بالا میبرد. عده زیادی از سپاهیان در جریان کار در روستاها با مشاهده زندگی دهقانان ما توانسته اند به نوعی عوامفریبیهای رژیم هرچه بیشتر بی بیروند و بانوسازی افکار خویش زندگانی خود را آگاهانه در خدمت زحمتکشان بگذارند. خلاصه کنیم سازمانهای مختلف سپاهی توسط رژیم شاه بوجود آمده تا در خدمت طبقات حاکم کار کند و نیت شاه هم چیزی جز این نیست که سپاهیان را برای جاسوسی

کردن و کنترل مردم تا حد امکان بکار برد. اما از آنجا که اکثریت عظیم روشنفکران میهن ما از ظلم و ستم رژیم رنج میبرند و دارای احساسات توج بربرانه هستند افراد سپاهی زیادی وجود دارند که خود را صادقانه در خدمت مردم میگردانند و در جریان کار خود از توده ها میآموزند و چه بسا خود را برای همیشه وقف مردم میکنند و برای رهائی آنها علیه رژیم مبارزه مینمایند. دوست عزیز، اینبوی نظر ما راجع به نگاهی که مطرح کرده بودی. نقطه نظر ما حتماً دارای کمبود است. با زحم نظر خود را برای ما بنویس. نظریات انتقادی تو بما کمک خیلی زیادی خواهد کرد.

برنامه فارسی رادیو پکن را گوش کنیم

برنامه های رادیو پکن با نشر آندیشه رفیق مائوتسسه دون و با انعکاس درست تجربیات انقلابی خلقهای جهان وسیله مهمی در امر هدایت صحیح توده های زحمتکش و روشنفکران انقلابی است. برنامه رادیو پکن همه روزه بترتیب زیر پخش میشود: ساعت ۱۹. بوقت تهران مطابق با ساعت ۱۶. وسی دقیقه بوقت اروپا بر روی امواج کوتاه ردیف ۳۰ متر - ۴۰ متر. ساعت ۲۱. وسی دقیقه بوقت تهران مطابق با ساعت ۱۹. بوقت اروپا بر روی امواج کوتاه ردیف ۳۰ - ۴۰ متر. برنامه رادیو پکن بزبان فارسی را گوش کنید و آنرا با دیگران و بخصوص به همسپهان خود در روستاها توصیه کنید.

● درود بکارگران ایران شرکت در جنگهای انقلابی گیلان به اوج گیری مجدد انقلاب ایران کمک بسیار نمود. حزب گونیست ایران که ادامه دهنده حزب عدالت بود با متشکل ساختن توده های وسیع طبقه کارگر به بسیج دهقانان و ایجاد ارتش خلق پرشتا و متحد با دیگر نیروهای انقلابی جمهوری شوروی گیلان را تشکیل داد و صفحات درخشانی از خود بیاد کارگزاران کرد. گرجه طبقه کارگر ایران در دوره سپاه رضاشاهی پیشقراول خود را از دست دادن ولی از مبارزه دست نکشید. بسا سرنگون شدن دیکتاتوری فاشیستی رضاشاهی جنبش کارگری ایران یکبار دیگر اوج گرفت و بسرعت رشد و توسعه یافت. گرجه طبقه کارگر ایران بعلت فقدان حزب طبقه کارگر و اپورتونسم تاریخی حزب توده ایران نتوانست به پیروزی برسد ولی مبارزات وسیع آن نقش بزرگی در پیشبرد جنبش ضد امپریالیستی خلقهای ایران در این دوره داشت. با کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد ۳۲ و برقراری مجدد رژیم حقتان رزمندگان طبقه کارگر به مقاومت دلوانه ای در مقابل آن پرداختند و حماسه پرشکوهی را در تاریخ مبارزات خلقهای ایران ثبت نمودند. در سالهای اخیر نیز با وجود حکومت اختناق دیکتاتوری محمدرضا شاهی جنبش کارگران ایران یکبار دیگر قدم قدم رشد نموده و ضربات خرد کننده را بر رژیم اجناسی ایران وارد ساخته است. مبارزات طبقه کارگر ایران در سالهای اخیر رژیم ضد خلقی و ضد کارگری ایران را چنان بوحشت انداخته است که کارگران آن خرقه کارگر و سستی پوشیده و آوای حمایت از طبقه کارگر را سر داد هاند. رژیم ایران در شرایطی که کارگران ایرانی در تحت شدیدترین استعمار امپریالیستها و سرمایه داران بورژوازی رنج میبرند در شرایطی که کارگران ایران از کوچکترین حقوق صنفی و سیاسی محروم هستند و در شرایطی که استعمارگران خارجی و وطنی کوچکترین صدای اعتراض کارگران را با اخراج از کاروشکجه زندان پاسخ میدهند از "دمکراسی اقتصادی" سهیم کردن کارگران در سود کارخانجات "بیمه های اجتماعی" کارگران "دم میزند. اتحادیه های کارگری فرمایشی درست میکند و روز کارگر را جشن میکند!

اما نه عوامفریبیهای رژیم و نه حملات دشمنان آن به طبقه کارگر خواهد توانست از اوج گیری جنبش کارگری جلوگیری کند. طبقه کارگر ایران در طی ۷۰ سال مبارزه آموخته است که بدون واژگون ساختن رژیم استعمارگران و ستگران قادر نخواهد شد حقوق حقه خویش را بازگیرد. طبقه کارگر ایران بتجربه آموخته است که برای پیسر و زی نهائی باید حزب پیشقراول خود را که منزله اپورتونسم و رویتونسم باشد بوجود آورد. بانویروی عظیم دهقانان ایرانی و تمام مبارزین واقعی خلق جنبه متحد تشکیل دهد و راه قهرآمیز انقلاب را در پیش گیرد.

طبقه کارگر انقلابی ترین، پیگیرترین، و صادق ترین طبقه جامعه ما است. کارگران ما رهبران جنبش دمکراتیک و سازندگان جامعه نوین آینده هستند.

روزیکه مسئولیت تهیه غذا را بر عهده گرفت رهبری را واگد ارشد او رفقای خود را بدو همچون کرد و گفت: "تهیه غذا برای اینست که رفقای ما در سرمای زمستان وسیله گرم شدن داشته باشند. این یک وظیفه سیاسی و یک مبارزه انقلابی بزرگ است. و سایر آنها خواست که خود را آماده کنند تا بر تمام مشکلات غلبه آید." "جان سی ده" در تمام مدت که با انجام این وظیفه مشغول بود در پیشانی پیرزنی کارمیکرد. هر که از افراد دسته حد اکثر ۱۷ یا ۱۸ رخت در روز میبیرید ولی تعدا در رختها بی که او میبیرید از ۲۰ رخت تجاوز میکرد. هر که از افراد هر بار یک بسته غذا بدوش حمل میکردند ولی او بدست تحمل مینمود. در موقع رست کردن در حال سرعت عمل بسیار هم بود و اگر یک لحظه بایر میگردند چوبهای درون کوره کاملاً آتش میگردند و خاکستر میشدند. "جان سی ده" مکرراً میگفت: "بیرون آوری در حال از کوره مثل نابود کردن دشمن است. با اینا تا کی حملات برق آسا را بکار ببرد" و هر بار که برق آری در حال آماده بپروا آوردن میشد او اول از همه بدوش کوره در حال میدوید و از همه پیشتر در آنجا میماند. و وقتی از آنجا بیرون میآمد سراپا سیاه شده بود و عرق از سر تا پایش میچکید.

"جان سی ده" این مبارزه لیروخه متنگ ارضای خلق در پنج سیمینامری ۱۹۴۴ در اثنای تهیه غذا در اثر ریزش کوره در حال شهید شد. رفیق مائوتسسه وین در مجلس ترحیم "جان سی ده" اظهار داشت: "همه کس میبیرد ولی مرگ بی سنگین تر از کوه تایی" و مرگد یکی سبکتر از قواست. رفیق "جان سی ده" جان خود را در راه منافع خلق از دست داد مرگ او سنگین تر از کوه "تای" است...

☆☆☆

ستاره سرخ را بخوانید

و به ایران بفرستید!

نشانی: **توده و ستاره سرخ**

آدرس پستی: **Mme. PAOLA DI CORI**
C.P. 403 S.SILVESTRO ROMA - ITALY

اندیشه مائو تسه دون ستاره سرخ را راهنمای ماست

انقلاب تا به آخر

بامسافت اشرف پهلوی به چین، در میان مردم ما افکار مختلفی بوجود آمده است. با اینکه تمام نیروهای مکرانیک خلق خواهان جدی برقراری مناسبات عادی دیپلماتیک میان دولت‌های ایران و چین هستند. ولی بحسب تاریخ از آنجمله مناسبات ریزینوینیستی شوروی با رژیم شاه در دهه اخیر و همچنین دنباله روی رهبری حزب توده ایران از حزب کمونیست شوروی توجه فوق العاده تمام انقلابیین به این امر جلب شده است.

از این نظر ما وظیفه خود میدانیم که موضعگیری و نقطه نظرهای خود را بطور آشکار برای تمام خلق اعلام داریم و با تکیه به کلیه انقلابیین و خلقهای ایران به مبارزه قاطع علیه هرگونه موضعگیری و نظریه نادرست برخیزیم. بطور خلاصه موضعگیری ما در این مسئله بقرار زیر است:

- ۱- اساس سیاست خارجی جمهوری توده‌ای چین انترواسیونالیسم پرولتری است و مادر عمل همه جا شاهد پشتیبانی بی دریغ و قاطع حزب کمونیست و دولت چین از رولتاریا و خلقهای انقلابی جهان بود. ما چنین توده‌ای را پایگاه محکم انقلاب جهانی میدانیم و عمیقاً اعتقاد داریم که وجود چین سرخ کمک بزرگی به تسریع انقلاب جهانی بوده و هست.
- ۲- ما عمیقاً اعتقاد داریم که دولت جمهوری توده‌ای چین تنها نماینده خلق چین میباشد و تاپوان که زیر سلطه امپریالیسم امریکاست جز جدائی ناید بر جمهوری توده‌ای چین است. ما قاطعانه از این حق محرز جمهوری توده‌ای چین پشتیبانی میکنیم رژیم شاه را که مدت طولانی با رژیم دست نشانده چنانکه چنگ علیه خلق چین توطئه چیده و از شناسائی این حق مسلم چین سر باز زده است، محکوم میکنیم.
- ۳- امپریالیسم امریکا و سنگهای زنجیر پیش سالهاست که شندید برای منفرد ساختن جمهوری توده‌ای چین مذ بوشا فعالیت میکنند و اگر امروز رژیم ایران به شناسائی احتمالی جمهوری توده‌ای چین تن در میدهد بطور اساسی بعزت مبارزات خلقهای سراسر جهان و از آنجمله خلق چین و ایران در شگفتن این توطئه و تضعیف امپریالیسم است.
- ۴- همزیستی مسالمت آمیز میان دولت ایران و چین بهیچوجه بمعنی همزیستی مسالمت آمیز میان نیروهای انقلابی و خلقهای ایران با رژیم جنایتکار شاه نیست. ما عمیقاً اعتقاد داریم که رژیم ایران نماینده سرمایه داری بورکراتیک، کمپرادرها و مالکین ارضی است. به امپریالیسم وابسته است و ادعای "سیاست مستقل ملی" رژیم چیزی جز عوامفریبی نیست. رژیم شاه طبقات زحمتکش و نیروهای مکرانیک ایران را بشدت تحت استثمار و ستم قرار داده است و بیستادگان استثمارکننده همزیستی مسالمت آمیز نمیتواند برقرار باشد. این جبر تاریخ است. انقلابیین ایران برای برانداختن رژیم دیکتاتوری شاه از طریق قهر و جنگ توده‌ای قاطعانه مبارزه میکنند.
- ۵- در برخورد به عناصر وابسته به هیات حاکمه ایران، ما اشرف پهلوی را جزو کیفیتترین عناصر آن میدانیم. او در توطئه‌های مختلف ضد خلقی، ضد انقلابی و ضد کمونیستی مبتنی بر دست داشته و یکی از مهره‌های اصلی تنها نماینده مصلحتهای ایران نیست بلکه دشمن سرسخت انقلاب بین و خلقی است. مردم ایران بعزت خیانتها و جنایتکانه توسط اشرف پهلوی صورت گرفته، نفرت عمیقی نسبت به او در دل دارند.
- ۶- برای انقلاب کردن ما باید بطور عمده به نیروی خلق و خودمان متکی باشیم. نیروی واقعی ایکه جامعه ما را جلو سوق میدهد توده‌های مردم ما هستند. کمک متقابل بین الطلقی خلقها نسبت بیکدیگر مهم است ولی نقش تعیین کننده ندارد. نقش تعیین کننده مداخله هر کمپوزیسند دارد.

مسائل بالا را کمی بیشتر میشکافیم:

علت اساسی شناسائی چین چیست؟

ما معتقدیم که علت اساسی تن دادن رژیم به شناسائی احتمالی چین توده‌های رشد اوضاع انقلابی جهان و ایران است. امپریالیسم امریکا و کلیه مرتجعین جهان پس از پیروزی انقلاب چین در سال ۱۹۴۹ با شیوه‌های مختلف مذ بوجانه کوشیدند مستقیم و غیرمستقیم به چین تجاوز کنند. آنها محاصره کرده و منفرد سازند. اشغال تاپوان توسط امپریالیسم امریکا، تجاوز به کره، زنده کردن میلیتاریسم ژاپن، ایجاد بیبانه‌های تجاوزی، ایجاد پایگاه‌های نظامی و نگهداشتن دارو دسته خائن چیان کای چک در سازمان ملل متحد نمونه‌هایی از این سیاست ضد چینی میباشد. رژیم شاه هم از همان رژیمهای دست نشانده است که سالها بی چون و چرا از این سیاست امپریالیسم امریکا پیروی کرده است و با چنان گای چک روابط سیاسی داشته و هم دست بود است. حالا چه عاملی باعث شده است که امپریالیسم امریکا و رژیمهای دست نشانده اش "تمایل" دارند با چنان روابط دیپلماتیک برقرار

سازند؟ تنها یک جواب میتوان به این سؤال داد: مبارزات کبیر خلق چین در راه ایجاد جینی نیرومند و استوار، مبارزه انقلابی خلقهای سراسر جهان علیه امپریالیسم و در پشتیبانی از خلق چین، عامل اساسی در تغییر سیاست امپریالیستها و کلیه مرتجعین بود است. در جهان کنونی بر اثر شکستهای مفتضحانه امپریالیسم امریکامنفرد شدن هرچه بیشتر سوسیال-امپریالیسم شوروی و رشد توسعه مبارزات انقلابی خلقهای سراسر جهان جریان عمده را انقلاب تشکیل میدهد. امروز، این نیروهای انقلابی هستند که سیر عمومی تاریخ را تعیین می- نمایند. در بر تاپوان شرایط مساعد انقلابی است که خلق چین پس از مبارزهای سخت و طولانی برای بدست آوردن حقوق حقه خود، اکنون در آستانه پیروزی فرار گرفته است.

این اوضاع مساعد انقلابی در سطح ملی کشورمان نیز انعکاس داشته است. مادر ده سال اخیر شاهد برخاستن موجهای بزرگ انقلابی و مکرانیت بودیم. این مبارزات توده‌ای نقش اساسی را در پیشرفت جامعه ما بازی کرده و نیروی محرکه آن میباشند. رژیم شاه با بکار بردن تمام زور و قدرت ارتجاعی، با تمام نقشه‌های اصلاحی نتوانست تعارضات و در خد مت خود بر آورد. این نیروی عظیم انقلاب که هر روز بر قدرتش افزوده میشود شندیدا ضد امپریالیسم امریکا و سوسیال-امپریالیسم شوروی بوده و جزئی از جنبه متحد جهانی پرولتاریا با نیروهای انقلابی و خلقهای سراسر جهان و از آنجمله خلق چین میباشد. مبارزه این نیروی انقلابی نقش مهمی را در تغییر سیاست رژیم نسبت به چین بازی کرده است. خلاصه کنیم: واقعیت نشان میدهد که تن دادن به همزیستی مسالمت آمیز با چین توده‌ای توسط امپریالیستها و مرتجعین جهان در اثر مبارزه توده‌های وسیع خلقهای سراسر جهان بدست آمده است. مرتجعین یا هرچه کمترقی است مخالفند و هیچگاه بدخواه خود با آن همزیستی نمیکند.

عوامفریبی بد نسیال شکست

مرتجعین بنا بر ماهیتشان حقایق را وارونه جلوه میدهند و حتماً خواهند کوشید که از جریان شناسائی چین اولاً تاجد ممکن کم ضرر ببینند و آبروی خود را حفظ نمایند و ثانیاً تاجد ممکن به نیروهای خلق ضرر رسانند بعنوان مثال شاه در عین اینکه مبارزات خلقهای ایران را تحت رهبری دگر فصدقی، برای ملی کردن صنعت نفت سرکوب نمود ولی از طرف دیگر با وارونه جلوه دادن حقایق خود را قهرمان آن خواند. رژیم شاه با تن دادن به امر شناسائی چین توده‌های مسلمان مذ بوجانه خواهد کوشید تا از آن حاکم سوء استفاده را بنماید. در این جریان هدف اساسی او ضربه زدن به جنبش مارکسیستی-لنینیستی در ایران میباشد که در حال اوچگیری است. برای اینکه رژیم از کوشش عوامفریبی خود در باره "سیاست مستقل ملی" دامن خواهد زد و از سوی دیگر به تبلیغ بین نظر که چین توده‌ای دگر پشتیبان نیروهای انقلابی ایران نیست خواهد پرداخت. این دواعی رژیم را اساساً در روند زینا اول در باره "سیاست مستقل ملی" رژیم:

بنظر ما رژیمی که در داخل متکی به سرمایه داری بورکرات کمپرادرها و مالکین ارضی است، رژیمی که تحت سلطه آن میلیونها کارگر و دهقان در فقر و بدبختی شدیدی بسر میبرند، بشدت استثمار میشوند و مبارزات مکرانیک آنها حتی بخاطر کوچکترین درخواستهای صغری و اقتصادی شندیدا سرکوب میشوند. نمیتواند دارای یک سیاست خارجی مستقل ملی باشد. سیاست خارجی انعکاسی از سیاست داخلی است. در دوران ما سیاست خارجی مستقل و ملی نمیتواند توسط حکومتی اجرا شود که در داخل به کارگران و دهقانان تکیه دارد و نماینده آنهاست. رژیم سلطنتی-فانسیستی شاه که با کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد وارد بزرگمستقر شد با پشتیبانی امپریالیستها بر سر کار مانده است. رژیم برای اثبات این ادعای خود که از "سیاست

مستقل ملی" پیروی میکند بطور اساسی روی مناسبات صمیمانه خود با باطلاح عرب و شرق تکیه میکند و بطور محتما بر قرار کردن رابطه دیپلماتیک با چین توده‌ای تبلیغاتی خود در این زمینه را گسترش خواهد داد. اما این یک عوامفریبی بیش نیست. زیرا این رژیم شاه نبود که مناسبات میان خود با امپریالیستها یا سوسیال امپریالیستهارا تعیین کرد بلکه این امر نتیجه توافق و امپریالیست بزرگ امریکا و شوروی در سطح جهانی بود. مناسبات صمیمانه شاه با شوروی در چارچوب همین توافق جهانی بوجود آمد. هرگز و نیروی ارتجاعی بزرگ موافق با اصطلاح "تمایلات

ایران هستند و تاتوافق یکدیگر برای غارت هرچه بیشتر ثروت ملی ما فعالیت میکنند. رژیم شاه بهترین خدمتگزار آنهاست. شناسائی چین هم، همانطور که گفتیم بهیچوجه نمیتواند به معنی اجرای سیاست مستقل ملی باشد. در این زمینه در همین خود شاهد تاریخی خوبی داریم. حکومت ایران جزو اولین کشورهای هائی بود که پس از پیروزی انقلاب اکبر دولت شوروی را بر رسمیت شناخت. آیا در آن زمان رژیم حاکم از سیاست مستقل ملی پیروی میکرد؟ طبیعا جواب منفی است. زیرا در آن زمان امپریالیسم انگلیس یک تاز میدان بود و حتی ارتش در ایران داشت. آنچه از آن زمان تا بحال تغییر یافته بطور عمده در شکل است. امپریالیستها دیگر قادر نیستند بشیوه‌های سابق سلطه خود را به خلقهای کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره تحمیل نمایند. بنا بر این سیاستها نواستعمراری را جایگزین سیاستهای استعماری کین کرده اند. در ماهیت امر امپریالیستها به اشکال نوین پیش از پیش در تمام شئون مللکی ما نفوذ کرده اند. هر کد کبی میداند که بازارهای اقتصادی ایران تمام و کمال در دست امپریالیستها قرار دارند. رژیم ایران تاخرخره زیر قرص امپریالیستها است. در چنین شرایطی دم از استقلال ملی زدن چیزی جز کزافه گوئی و عوامفریبی نمیتواند باشد.

در دم تبلیغ رژیم در باره سیاست خارجی چین: رژیم بطور مستقیم و غیر مستقیم مذ بوجانه خواهد کوشید که چنین وانمود نماید که سیاست خارجی چین تغییر کرده و این کشور دیگر از پرولتاریا و انقلابیین ایران پشتیبانی نمیکند بلکه متحد شاه و رژیم حاکم است. در این زمینه رژیم بیش از زمینه اولی کار خواهد کرد زیرا در سالهای اخیر شرایط مساعدی برای نفوذ اندیشه مائوتسه در میان توده‌ها بوجود آمده و روشنفکران انقلابی زیادی آنرا پذیرفته و میان توده‌ها برده اند. علاوه بر این رفیق مائوتسه در در میان خلق ما از ارای حیثیت بزرگ انقلابی است و موجودیت و استحکام روز افزون چین سرخ دگر بزرگی برای تمام انقلابیین ایران است.

حقیقت جز اینست که رژیم جلوه خواهد داد. حزب کمونیست چین و دولت چین در عمل در سراسر جهان از کلیه مبارزات پرولتاریا و خلقها علیه امپریالیسم، ریزینوینیسم و کلیه مرتجعین پشتیبانی میکند. این اساس سیاست خارجی چین را تشکیل میدهد. انترناسیونالیسم پرولتری سیاست حاکم در مناسبات خارجی حزب کمونیست و دولت چین است. یکی از انتقادات بزرگ به خلق مشی ریزینوینیستی لیوشاوتچی این بود که در این مورد دچار انحراف بود.

توده‌های وسیع خلق چین تحت رهبری رفیق مائوتسه در جریان انقلاب عظیم فرهنگی پرولتاریائی شندیدا این پدیده انحرافی را انتقاد و طرد کردند. رفیق لین بیان کرد که رژیم حزب کمونیست چین قاطعانه و بطور آشکار اعلام کرد که اساس سیاست خارجی چین را پشتیبانی بی دریغ و بیگیرانه از پرولتاریا و خلقهای انقلابی سراسر جهان تشکیل میدهد. این واقعیت را منتها همه انقلابیین بخوبی میدانند بلکه امپریالیستها و مرتجعین هم نمیتوانند آنرا کتمان کنند. خلق چین که در جریان انقلاب عظیم فرهنگی پرولتاریائی آید پدیده شده است آگاهانه و قاطعانه از مشی پرولتری رفیق مائوتسه و در روابط خارجی چین با کشورهای دیگر پیروی میکند و سرلوحه مشی پرولتری رفیق مائوتسه در مناسبات پشتیبانی قاطع، بی دریغ و همجانانه از انقلابیین جهان است. ما به خلق مبارز چین و به مشی پرولتری رفیق مائوتسه و اعتماد داریم و معتقدیم که حزب کمونیست چین و دولت چین نماینده واقعی خلق چین است و از مشی پرولتری رفیق مائوتسه و پیروی میکند. این واقعیت را هر روز میشوید در عمل آموزد و بدید چگو نقش چین توده‌ای چون در محکم به پشتیبانی انقلاب جهانی پرداخته و علیه امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم و کلیه مرتجعین قاطعانه مبارزه میکند.

بنظر ما پیروی چین از سیاست همزیستی مسالمت آمیز که بخش عمده سیاست خارجی چین را تشکیل میدهد تنها لطمه‌ای به امر پشتیبانی از پرولتاریا و خلقهای انقلابی نمیزند بلکه به آن کمک کرده و بازم بیشتر امپریالیسم، سوسیالیسم، سوسیالیسم و کلیه نیروهای ضد انقلابی و ضد کمونیست را افشا و منفرد میسازد. سیاست همزیستی مسالمت آمیزی که چین از آن پیروی میکند سیاست همزیستی مسالمت آمیز لنینیستی است. این سیاست بمثابه سلاحی است در دست پرولتاریای بقدرت رسیده برای پیشبرد امر انقلاب، نسه

سازش با مرتجعین و جلوگیری از انقلاب و حزب کمونیست چین هیچگاه به مشاطه‌گری امپریالیسم امریکانیزد اخته. هیچگاه همکارگی با آن را بعنوان راه اساسی حل مسائل جهانی ندانسته، هیچگاه از احزاب دیگر مارکسیستی-لنینیستی که بقدرت نرسیده‌اند نخواسته که آنها هم از سیاست همزیستی مسالمت آمیز در کشور خود پیروی کنند و هیچگاه با برقراری مناسبات دیپلماتیک با کشوری با نظام غیر خودی، از پشتیبانی پرولتاریا و خلقهای آن کشور دست برنداشته است.

سیاست همزیستی مسالمت آمیز ریزینوینیستی با سیاست همزیستی مسالمت آمیز ریزینوینیستی در تضاد مطلق است.

این ریزینوینیستیهای خروشنجی هستند که اساس سیاست خارجی خود را همزیستی مسالمت آمیز قرار داده و با امپریالیسم امریکا کار آمده‌اند و مذ بوجانه میکوشند با همکاری آنها سرنوشته‌های جهان را تعیین کنند. این ریزینوینیستیهای خروشنجی هستند که راه حل مسالمت آمیز را تنها راه حل همه تضادهای جهانی کنونی شمرده و احزاب و سازمانها خلقی را مجبور میکنند که از سیاست مسالمت آمیز در رابطه با طبقات اجتماعی حاکم در کشور خود پیروی کنند. بهترین نمونه این سیاست ریزینوینیستی، مناسبات شوروی با رژیم شاه است. ریزینوینیستیهای شوروی مانند تمامی امپریالیستها علاً به استثمار و بهره‌کشی از خلقهای ایرا دست زدند، به مشاطه‌گری رژیم ضد خلقی شاه پرداخته آنرا از نظر سیاسی، اقتصادی و نظامی تقویت کرده و از طریق دستگاه ریزینوینیستی حزب توده ایران علیه نیروها خلق که میخواستند مستقل از آنها راه انقلابی علیه رژیم را در پیش گیرند توطئه میچینند.

انقلاب تا به آخر

آخرین مسئله‌ای که لازم است بعزت سابقه بد حزب توده ایران توضیح دهیم اهمیت برخورد مستقل نیروهای انقلابی ایران و در پیش گرفتن راه قهرآمیز برای برانداختن رژیم حاکم میباشد. سیاست همزیستی مسالمت آمیز متعلق به مناسبات میان د و کشور با نظامهای اجتماعی مختلف است و بهیچوجه نمیتواند در مناسبات میان ستمگروستفاده‌شده استوار گردد. حاکم و محکوم بکار برده‌شود. موافقت ما و پشتیبانی ما از حزب کمونیست چین و دولت چین در مورد سیاست همزیستی مسالمت آمیز بمعنی این نیست که بنظر ما انقلابیین ایران هم باید از آن پیروی کنند. انقلابیین ایران باید بر عکس عمل کنند یعنی از طریق بسج و متشکل ساختن توده‌های خلق و تکیه به آنها جنگ توده‌ای را در اندک دیده و برای برانداختن رژیم و بدست آوردن قدرت سیاسی مبارزه کنند. رفیق مائوتسه در این مورد خوب ما را این زمینه است. در سال ۱۹۴۶ هنگامیکه جریان

نادرست در جنبش کارگری بوجود آمده بود و تولیداتی و توزیع رهبران حزب کمونیست ایتالیا و فرانسه دست به سازش با بورژوازی بومی خود زده بودند و پرولتاریا و خلق را خلع سلاح میکردند، هنگامیکه لیوشاوتچی در چین صحبت از شد مسالمت آمیز" چین میکرد، هنگامیکه رهبران حزب توده ایران برای بدست آوردن کرسی وزارت در کابینه قنوام علیه جنبش خلق آذربایجان، کرکستان و تمام خلقهای ایران گام بر میداشتند، رفیق مائوتسه و قاطعانه علیه این گرایش نادرست مبارزه برخاستند و در این مورد یاد آور شد که "مصلحه میان اتحاد شوروی و کشورهای امپریالیستی خلقهای کشورهای سرمایه داری را طرد نمیسازد. که از این نمونه پیروی کنند و در کشور خود بمصلحت دست زنند. خلقهای آن کشورها مبارزات مختلفی را طبق شرایط مختلف کشور خود ادامه خواهند داد."

شرایط مشخص جامعه ما و نیازمندهای فشرده توده‌ها خلقی ما وظیفه ایجاد یک نظام مکرانیک که زمینه را برای انقلاب سوسیالیستی فراهم نماید بعهده انقلابیین ایران قرار میدهد. انجام این امر تنها از طریق بکار بردن قهر انقلابی امکان دارد. مسالمت کسه مارکسیست-لنینیستیهای ایران و تمام انقلابیین با انتقاد و طرد ریزینوینیسم حزب توده ایران راه قهرآمیز انقلاب را تنها راه رهائی خلقهای ایران از یوغ امپریالیسم و ارتجاع تشخیص دادند. این شعار از واقعیت و شرایط مشخص جامعه ما و نظام حاکم کنونی برخاسته است و راهنمای تمامی خلقهای کشور ما میباشد.

این بود مواضع و نقطه نظرهای ما. به هوشیاری انقلابی خود بیفزائیم، عوامفریبیهای رژیم را باز هم بیشتر افشا کنیم، مشی انقلابی مارکسیستی لنینیستی سازمان را تبلیغ نمائیم، به خلقهای ایران تکیه کنیم و برچم ادامه انقلاب تا به آخر را برافراشته نگه داریم.

با اتکاء بتوده‌ها بر حرم انقلاب را با فراشته‌تر سازیم